

مستثنیات دین در حقوق ایران

سعید توکلی (عضو هیأت علمی دانشگاه و وکیل پایه یک دادگستری)

قسمت اول

مقدمه:

بدون تردید، از روزی که انسان با تعهدات و قراردادها - هرچند به شکل اولیه و بسیار ساده آشنا شد که صدالبته لازمه زندگی اجتماعی و گروهی وی بوده است - با مسئله دین و مستثنیات آن به شکل ابتدایی نیز آشنا گردید. بدین صورت که در موقع ضبط اموال مجرم یا گناهکاری که در ادوار مختلف، مجازاتهای متفاوتی را متحمل می‌شد یا اموالش را ضبط می‌کردند، این موضوع مورد توجه بوده که اموالی در زندگی بشر هست که لازمه گذران زندگی او بوده و برای هر انسانی واجد اهمیت فراوانی است و جزو ضروریات ادامه حیات و بقای زندگی است، و در واقع جزء حقوق شخصیت انسان بوده و از عناصر تشکیل‌دهنده آن می‌باشد. بنابراین، قاعدتاً نمی‌توان این‌گونه اموال و اشیا را که لازمه بقا و حیات انسان است از او سلب و در مقام ایفای دیون و تعهدات وی بر آنها مستولی شد و از او بازستاند. پس باید بین اموالی که از مدیون اخذ می‌شود و یا در مقام احقاق حق توقیف و ضبط می‌شود، مواردی را مستثنا کرد. مستثنیات دین که در واقع به معنای استثنای از توقیف و ضبط است، فلسفه وجودی اش جلوگیری از ایجاد اخلال در معیشت و زندگی مدیون می‌باشد و این تأسیس حقوقی پس از رشد فکری و حقوقی افراد بشر و قانونگذاران در طول زمان ایجاد شد؛ زیرا در زمان‌های بسیار دور هرگاه مدیون، دین خود را ادا نمی‌کرد او را به غلامی می‌بردند و به شدت از او در مقابل دینش کار می‌کشیدند و تا زمان استیفای کامل دین، رهایش نمی‌کردند. ولی رفته رفته هرچه بیشتر انسان خود را به وجود تعهدات و ملزم بودن به آنها مقید می‌دید برای احترام به زندگی شخصی و نیازهای اولیه اش ارفاقاتی قایل شد و شخص متعهد نیز خویش را چه از روی حساسگری و یا از روی ناچاری و یا بعضاً به خاطر اعتقادات مذهبی و اخلاقی، ملتزم و مقید دانست. درحقیقت، خصیصه تکلیف‌ناپذیری انسان سبب شده است که بشر بتواند نیازمندی‌ها، خواسته‌ها و حوادث ناشی از زندگی اجتماعی را به وسیله اطاعت و پیروی از قواعد و نظامات موضوعه بشری مرتفع و حل و فصل نماید. مسئله "دین" یک تأسیس حقوقی امضایی می‌باشد که قبل از اسلام نیز به شکل‌های مختلف رایج و حتی در آن زمان لازمه گذران زندگی بوده است و اسلام نیز این تأسیس حقوقی را مورد تأیید و تأکید قرار داده است؛ به نحوی که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتبوه و لیکتب بینکم کاتب بالعدل»^(۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه خواستید با یکدیگر دین و تعهدی ببندید و به یکدیگر مدیون شدید، آن را بنویسید و برای نوشتن آن باید از بین شما نویسنده عادل باشد.

در هر حال بحث دایر مدار این موضوع است که چه اموالی و دارایی‌های را می‌توان مشمول مستثنیات دین قرارداد؟

آیا در این راستا شخصیت و وضعیت اخلاقی، مذهبی، اقتصادی و... مدیون و متعهد را باید دخیل دانست؟

چه چیزی جزو ملزومات زندگی شخصی هراسانی است؟ شأن و مقام افراد در این راستا چه نقشی دارد؟ و سؤالاتی از این دست که در مقاله حاضر ضمن مباحث آتی، سعی در پاسخ‌دادن به آنها داریم.

مبحث اول - بررسی مستثنیات دین در فقه

اکثر فقهای امامیه، منزل مسکونی، مرکب (چهارپا)، البسه مدیون و خانواده او و همچنین هزینه زندگی او را در فاصله زمانی توقیف تا پایان روز فروش آن جزو مستثنیات دین شمرده‌اند و در مورد پوشاک معمولی، هم لباسی تابستانی را استثنا کرده‌اند و هم لباس زمستانی را و علاوه بر پوشاک معمولی لباس میهمانی را نیز مشمول مستثنیات دین دانسته‌اند؛ و به‌طور کلی ملاک استثنا در اشیای مذکور را احتیاج متعارف شخص مدیون قرار داده‌اند.^(۲) با این توضیح که با تعیین کم و کیف مسکن و سایر مستثنیات دین، هم تعداد افراد تحت تکفل شخص را مدنظر قرارداده‌اند و هم پایه و منزلت اجتماعی او را لحاظ کرده‌اند. بدیهی است که میزان حاجت و نیاز یک فرد مجرد با نیاز افرادی که عائله‌مند هستند کاملاً متفاوت است. همچنان‌که هزینه امرار معاش افرادی که به‌دلیل علم و فضیلت و خدمت به خلق از پایگاه و منزلت اجتماعی خاص برخوردارند، نیز متفاوت است. احتیاجاتی از قبیل مسکن، وسیله نقلیه، هزینه‌های زندگی از جمله معالجه و درمان همه از اموری هستند که بسته به زمان و مکان متفاوت است و از فردی تا فرد دیگری فرق می‌کند؛ حدود آن را وضعیت اقتصادی و موقعیت اجتماعی متعارف افراد تعیین می‌کند.^(۳) بدین ترتیب اگر منزل مسکونی یک شخص کاملاً مجلل بوده و به‌عنوان مثال بالغ بر دو هزار متر مربع می‌باشد، در چنین وضعیتی، منزل مسکونی او را به فروش می‌رسانند و به تناسب احتیاج و موقعیت اجتماعی که دارد برای او منزل کوچکتر با قیمتی نازلتر تهیه می‌کنند و مازاد آن را به پرداخت دیونش اختصاص می‌دهند.

در مورد مستثنیات دین روایات متعددی از ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در دست می‌باشد که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- روایت عثمان ابن زیاد

عثمان ابن زیاد می‌گوید: «به امام صادق (علیه‌السلام) عرض کردم که از شخصی طلبی دارم و او می‌خواهد منزل خود را بفروشد و با آن دین خود را ادا نماید. امام جعفر صادق (علیه‌السلام) فرمود: به خدایت پناه ببر از اینکه او را از سرپناه و منزل مسکونی‌اش بیرونش کنی.»^(۴)

۲- روایت ابن ابی عمیر

«عن ابی عبد... (علیه‌السلام) قال: لایخرج الرجال عن مسقط رأس بالدین» یعنی، نمی‌توان شخص مدیون را به دلیل ناتوانایی پرداخت دیونش، از محل سکونتش بیرون نمود.^(۵)

۳- در جای دیگر نیز امام صادق (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «لاتبار الدار... فی الدین و ذلک انه لا بد للرجال من ظل بسکنه..» یعنی نمی‌توان منزل مدیون را برای پرداخت دیون او به فروش رسانید؛ زیرا منزل مسکونی از ضروریات زندگی هر شخص محسوب می‌شود.^(۶)

دقت در مفاد روایات وارد شده راجع به مستثنیات دین، نشان می‌دهد که در این روایات صرفاً منزل مسکونی و احياناً هزینه خدمتگزاران منزل مورد استثنا قرار گرفته است و نسبت به سایر مستثنیات دین ساکت است. در حالی که فقهای امامیه علاوه بر آن نفقه، البسه، اثاثیه، وسیله نقلیه مورد احتیاج و متناسب با شئون شخصی و غیر آن را نیز از مستثنیات دین محسوب داشته‌اند. حال باید دانست که دلیل این توسعه و تعمیم چیست؟ به بیان دیگر، به چه دلیل فقهای امامیه مصادیق و مواردی از مستثنیات دین را بر شمرده‌اند که در روایات وارد شده نامی از آن امور برده نشده است؟ به نظر می‌رسد، مستند فقها “ضرورت” و “حاجت” باشد و این گرایش که هر چیزی که عرفاً حوایج ضروری انسان را بر آورده سازد به طوری که فقدان آن چیز شخص را در مضیقه و مشقت اندازد، می‌تواند جزو مستثنیات دین باشد، اندک‌اندک شکل قاعده کلی به خود گرفته و به صورت یک ضابطه درآمده تا جایی که فقهای معاصر تصریح کرده‌اند که ضابطه برای مستثنیات دین، هر شیء، است که نظر به وضعیت اجتماعی و شئون شخص مدیون، مورد احتیاج او باشد به نحوی که فقدان آن شیء مدیون را در عسر و حرج قرار دهد.^(۷) توضیحات فوق نشان می‌دهد که مستثنیات دین، محصور نمی‌شود به آنچه که در روایات آمده و محدود نمی‌شود به آنچه احياناً فقهای امامیه در موارد مذکور در روایات افزوده‌اند، بلکه نظر به عرف زمان و مکان و بسته به وضعیت اقتصادی موجود و موقعیت مدیون، مستثنیات دین و مصادیق آن تغییر می‌کند. بنابراین، روایاتی که بعضی از مستثنیات دین را مورد تصریح قرار داده‌اند و فقیهانی که برخی دیگر از مصادیق را بر شمرده‌اند، در مقام حصر نبوده، بلکه صرفاً در مقام تمثیل بوده‌اند؛ یعنی، موارد مذکور را مثال زده‌اند، نه به‌عنوان تعیین تنها مصادیق انحصاری موضوع، در بحث از مستثنیات دین موارد ممکن را عرف جامعه تعیین می‌کند و بدیهی است که با تغییر رویه متعارف در جامعه و دگرگون شدن شرایط اقتصادی، مصادیق مستثنیات دین نیز تغییر می‌کند و ممکن است مصداق واحدی که در یک زمان جزو مستثنیات دین نبوده‌است در زمان دیگر در ردیف مستثنیات دین قرار گیرد. به بیان دیگر، مستثنیات دین تابعی از متغیّر عرف زمان و مکان است؛ به‌عنوان مثال، تا نیم قرن پیش از این، “یخچال” جزو لوازم مورد احتیاج ضروری زندگی محسوب نمی‌شد، ولی امروزه، شرایط زندگی تغییر یافته است؛ به نحوی که یخچال از لوازم مورد نیاز مبرم و ضروری هر خانواده‌ای جای گرفته، به طوری که نبود آن در منازل مسکونی، زندگی را سخت و مشکل می‌کند، به طوری که امروزه اگر شخصی امکان مالی برای تهیه یک دستگاه یخچال نداشته باشد، عنوان فقیر براو صدق می‌کند. به همین دلیل، امروزه یخچال جزو مستثنیات دین محسوب می‌شود و نمی‌توان با توقیف و فروش آن، دیون شخص مدیون را از ادا کرد، مگر در صورتی که نوع و یا تعداد آن در منزل شخص بیش از نیاز متعارف او باشد. ذکر این نکته ضروری است که نباید در افزون بر تعداد مورد مستثنیات دین تا آنجا پیش رفت و آنچنان گشاده دستی کرد که حقوق جامعه و یا حقوق طلبکاران تضییع شود، بلکه باید در تعیین مستثنیات دین در حد متعارف متوقف شد و تفسیر مضیق از آن نمود.

مبحث دوم – مستثنیات دین در حقوق موضوعه

نیاز حمایت منطقی و متعارف از مدیون و لزوم جلوگیری از فروپاشی و متلاشی شدن زندگی او از یک طرف و تأثیر مستقیم مستثنیات دین در تأمین هدف مذکور از طرف دیگر، سبب شد که قانونگذار ایران در قوانین گوناگون به تناسب بحث از تکالیف و حقوق مدیون، مستثنیات دین را مورد لحوق حکم خویش قرار دهد که ذیلاً به طور جداگانه از آن بحث می‌کنیم:

۱- قانون اصول محاکمات حقوقی؛

اولین قانونی که به طرح مستثنیات دین و ذکر مصادیق آن پرداخته، قانون اصول محاکمات حقوقی قدیم بود که در سال ۱۳۲۹ قمری به تصویب رسید. در ماده (۶۳۰) این قانون پیش‌بینی شده بود که اشیای مفصله ذیل که از مستثنیات دین است توقیف نمی‌شود:

- ۱- لباس و اسبابی که برای ایفای حوایج ضروریه مدیون و خانواده او لازم است؛
- ۲- آذوقه موجود به قدر احتیاج یک ماه مدیون و نفقه و کسوه اشخاص واجب‌النفقه؛
- ۳- اسناد مدیون به استثنای کاغذهای قیمتی (اوراق بهادار) و سهام شرکتها؛
- ۴- لباس رسمی و نیمه رسمی مدیون و همچنین اسلحه و اسب اهل نظام حاضر خدمت؛
- ۵- اسباب و آلات زراعتی و حرفه‌ای و صنعتی که برای شغل مدیون لازم است و همچنین دوابی (چهارپایانی) که برای زراعت لازم است.

همان‌طور که پیش از این گفتیم، مطابق اجماع فقهای امامیه، مسکن جزو مستثنیات مسلم دین است؛ در حالی که قانون مذکور، منزل مسکونی را صریحاً جزو مستثنیات دین نشمرده است. این اختلاف بین قول مشهور فقهای امامیه از یک طرف و ظاهر ماده قانونی مذکور از طرف دیگر، باعث شد بنابر تفسیری که وزارت عدلیه در فروردین ۱۳۰۰ از ماده (۶۳۰) قانون اصول محاکمات حقوقی قدیم به دست داد، منزل نیز جزو مستثنیات دین شمرده شد.^(۸)

۲- مستثنیات دین در قانون تجارت؛

در امور تجاری، طرز تلقی قانونگذار راجع به پرداخت دیون با مورد قبلی کمی متفاوت است؛ چه آن که اجرای بموقع تعهدات تاجر از حدود منافع خصوصی بستانکار و بدهکار فراتر رفته و به نحوی به جامعه بازرگانی ارتباط پیدا می‌کند؛ زیرا بازرگان از اعتبارات عمومی که به اشخاص هم حرفه او تعلق می‌گیرد، بهره‌مند می‌گردد و بازرگانان دیگر که طلبکار وی به شمار می‌روند انتظار وصول مطالباتشان را در سررسید دارند و در صورت عدم وصول آن، با تقدیم دادخواست، تقاضای صدور حکم توقف و ورشکستگی تاجر مدیون را می‌نمایند و اگر بعضی از آنها موفق به دریافت چنین حکمی علیه مدیون بشوند، آثار این حکم نسبت به کلیه دئیان جاری می‌شود.

قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ درباب چهارم از فصل یازدهم، مسئله مستثنیات دین را مورد توجه قرار داده است. به موجب ماده (۴۳۸) قانون مذکور: «انبارها، حجره‌ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر باید مهر و موم شود.» و در تبصره ماده (۴۳۹) همان قانون، مستثنیات دین از مهر و موم

معاف شده است. تبصره بیان می‌دارد: «در مورد این ماده و ماده فوق، مستثنیات دین از مهر و موم معاف است.» و در ماده (۴۴۴) همان قانون، موارد ذیل جزء مستثنیات دین شمرده شده است:

۱- البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوایج تاجر ورشکسته و خانواده او لازم است.

۲- اشیایی که ممکن است قریباً ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید.

۳- اشیایی که برای به کار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته و استفاده از آن لازم است؛ در صورتی که توقیف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد. اشیای مذکور در فقره ثانیه و ثالثه باید فوراً تقویم و صورت آن برداشته شود.

در ماده (۱۶) قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴ آمده است: مستثنیات دین تحت اختیار ورشکسته گذاشته می‌شود. و نیز مطابق ماده (۲۱) همان قانون، اداره تصفیه تعیین می‌نماید که تا چه مدت تاجر ورشکسته و خانواده اش می‌توانند در خانه‌ای که بوده‌اند سکنی نمایند.

۳ - مستثنیات دین در آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا:

آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۵۵/۴/۶، از جمله آیین‌نامه‌هایی است که چندین بار الحاقیه به آن اضافه گردیده و بعد از انقلاب هم در سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۰ اصلاح شده است، و به اصلاحیه آن هم تبصره الحاق گردید و بعد از آن نیز، تبصره مزبور لغو شد. این کش و قوس‌های قانونی از اختلاف نظر بین حقوقدانان و فقهای شورای نگهبان بر سر تعیین مصادیق مستثنیات دین بوده است.

در سال ۱۳۵۹ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، از شورای عالی قضایی وقت درخواست الحاق چند بند به این آیین‌نامه را کرد.^(۹)

شورای عالی قضایی نیز در جلساتی چند، دو بند «و» و «ه» را به ذیل ماده (۶۹) آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا اضافه نمود که به موجب آن، مسکن و وسایل دیگر مورد نیاز مدیون و افراد عائله تحت تکفل او جزو مستثنیات دین قلمداد شد.^(۱۰)

البته در اینجا ذکر این مطلب لازم است که بندهای «ه» و «و» که به پیشنهاد سازمان ثبت اسناد و املاک در سال ۱۳۶۰ اضافه شده است، ابهاماتی دارد. مثلاً معلوم نگردیده بود منظور از مسکن بدهکار و عائله او چیست؟ آیا مقصود مسکنی است که برای زندگی بدهکار و عائله او کفایت کند و حداقل نیاز یک خانواده پر جمعیت متعهد را برآورده نماید؟ یا اینکه منظور مسکنی است که مناسب با شئون شخصی و خانوادگی بدهکار باشد؟ آیا اگر مسکن بدهکار به تشخیص اجرای ثبت بیش از حد نیاز او یا واقع در منطقه‌ای مرغوب و گران قیمت بود، آن را فروخت و منزل کوچکتری در نقطه ارزان شهر که حداقل نیاز خانواده را تأمین کند برای او خریداری و مازاد را به طلب کار پرداخت نمود یا خیر؟ همچنین در مورد اتومبیل با توجه به اختلاف فاحش قیمت اتومبیل‌های که گاهی تا ده برابر اختلاف قیمت دارد؛ آیا اگر مثلاً مدیون دارای یک اتومبیل بنز آخرین مدل باشد باید آن را از مستثنیات دین دانست یا اینکه می‌توان آن را فروخت و اتومبیل مستعمل ارزان قیمتی از نوع ژیان برای او خرید که همه احتیاج او

را برطرف کند و هم مازاد قیمت به طلب کاران داده شود؟ در مورد تلفن، آیا تلفن منزل و محل کار هر دو جزء مستثنیات دین است، یا تلفن منزل و یا تلفن محل کار؟

اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، در موارد متعددی اظهارنظر نموده است که هر نوع خانه یا اتومبیل جزء مستثنیات نیست و اگر خانه یا اتومبیل بدهکار بیش از نیاز او باشد تبدیل آن به خانه و اتومبیلی که نیاز او را مرتفع نماید و مازاد قیمت به طلبکار یا طلبکاران داده شود مجاز و بلکه لازم است و در مورد تلفن فقط یک شماره را جزء مستثنیات دانسته است. اما مسئله ای که باید مورد توجه واقع شود آن است که در شرایطی که اکثر مردم دارای ملک مسکونی نیستند و حتی قادر به پرداخت اجاره بهای سرسام آور معمولی نمی باشند، آیا صحیح است به بدهکار که احياناً با استقراض از این و آن خانه، اتومبیل و تلفن خریده است، این امتیاز داده شود که منزل و اتومبیل و تلفن او مصون از تعرض باشد و طلبکار که ممکن است فاقد هر سه یا یک یا دو تای آنها باشد دستش کوتاه بماند و طلبش بلاوصول گردد!

اصولاً مگر چند درصد از مردم، اضافه بر خانه معمولی و اتومبیلی متوسط و یک تلفن چیزی دارند که از آن محل به طلبکار داده شود؟ البته باید همه مردم از این امکانات و ضروریات زندگی در عصر فضا بهره مند شوند، ولی نباید مقررات به نحوی تدوین شود که مردم را از وام دادن بترساند و اشخاص را به وام گرفتن و تهیه ملزومات خویش و نداشتن دغدغه و اضطراب از بازپرداخت آن وادار نماید!

با تصمیمی که شورای عالی قضایی در مورد مستثنیات دین در اجرای اسناد گرفت، تلفن و وسیله رفت آمد و مسکن مورد نیاز بدهکار و عائله او را از مستثنیات شناخت. این مسئله پیش آمد که آیا در مورد اجرای احکام هم می توان همین مستثنیات را ملاک قرارداد؟

باید بگوییم نظریه شورای عالی قضایی فقط در مورد اجرای اسناد است و نمی تواند به اجرای احکام که دارای قانون خاص و معین است، سرایت داده شود.^(۱۱)

بالاخره با اصلاحاتی که در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۶ در مفاد و بندهای ماده (۶۹) به عمل آمده، برخی ابهامات مرتفع گردید. در وضعیت فعلی، ماده مزبور به شرح ذیل می باشد:

ماده (۶۹) - (اصلاحی ۱۳۷۰/۹/۲۳) اموال و اشیای زیر از مستثنیات دین است و بازداشت نمی شود:

- ۱- مسکن متناسب با نیاز متعهد و اشخاص واجب النفقہ او .
 - ۲- لباس، اشیا و اثاثی که برای رفع حوائج متعهد و اشخاص واجب النفقہ او لازم است.
 - ۳- آذوقه موجود به قدر احتیاج سه ماهه متعهد و عائله او.
 - ۴- وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه وران و کشاورزان متناسب با امرار معاش خود و اشخاص واجب النفقہ آنان.
 - ۵- سایر اموال و اشیا که به موجب قوانین خاص، غیر قابل توقیف می باشد.
- تبصره ۱- (اصلاحی ۱۳۷۰/۹/۲۳) در صورت فوت متعهد، دیون از کلیه اموال بجا مانده از او بدون استثنای چیزی، استیفا خواهد شد.

تبصره ۲- (اصلاحی ۱۳۷۰/۹/۲۳) در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیای موصوف با نیاز اشخاص فوق‌الذکر، رئیس ثبت محل با توجه به وضعیت خاص متعهد و عرف محل، مطابق ماده (۲۲۹) اتخاذ تصمیم خواهد کرد.

تبصره ۳- (الحاقی ۱۳۷۶/۵/۲۵) در صورتی که بستانکار، همسر مدیون بوده و بابت وصول مهریه درخواست بازداشت محل سکونت او را بنماید، در این صورت حداکثر تا نصف از مالکیت مدیون بازداشت می‌شود.

۳- مستثنیات دین در قانون اجرای احکام مدنی:

ماده (۶۵) از قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱ در مقام بیان مستثنیات دین اعلام می‌کند:

اموال زیر برای اجرای حکم توقیف نمی‌شود:

۱- لباس و اشیا و اسبابی که برای رفع حوایج ضروری محکوم‌علیه و خانواده او لازم است.

۲- آذوقه موجود به قدر احتیاج یک ماهه محکوم‌علیه و اشخاص واجب‌النفقه او.

۳- وسایل و ابزار کار ساده کسبه و پیشه‌وران و کشاورزان.

۴- اموال و اشیایی که به موجب قانون مخصوص غیر قابل توقیف می‌باشند.

تبصره: تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمی‌شود.^(۱۲)

اکنون به بررسی بندهای ماده (۶۵) می‌پردازیم. در بند "۱" این ماده آمده است، اشیا و اسبابی که برای رفع حوایج ضروری محکوم‌علیه و خانواده او لازم است. پس یک میز تنیس یا یک دستگاه ویدئو جزو اشیای ضروری نمی‌باشد. یا کسی که چند قطعه فرش دارد توقیف آنها بجز یک یا دو قطعه جایز است. در بند "۲" مقدار آذوقه از سه ماه در قوانین قبلی به یک ماه تنزل پیدا کرده است که این امر شاید به دلیل حمایت از طلبکاران باشد.

در بند "۳" این ماده از وسایل و ابزار کار ساده ذکر شده است که این قید ساده بودن وسایل، خود مبین این امر است که اگر کسی راجع به یک کارخانه صنعتی ادعا کند که این کارخانه جزو مستثنیات دین می‌باشد با تصریح در متن ماده نمی‌شود این ادعای او را پذیرفت؛ ولی در مورد یک نجار، ارّه برقی او مشمول بند "۳" این ماده می‌باشد و از این حیث غیر قابل توقیف است. با قید "ساده بودن" اتومبیل و تراکتور از شمول مستثنیات دین خارج می‌گردد.

التبّه به نظر نگارنده، این قانون از لحاظ قالب ظاهری و از نظر نحوه به کارگیری مفردات و عبارات، به مراتب دقیقتر از قوانین پیش از خود تنظیم شده است و از نقطه نظر ماهیت نیز مزایای قابل توجهی را مطرح کرده است، مخصوصاً با افزودن تبصره ذیل ماده (۶۵) نشان از حمایت معنوی قانونگذار از مدیون دارد. از این جهت، قانون مذکور به فتوای بسیاری از فقهای بزرگ که مطابق آن فتوا، کتب علمی مورد نیاز مدیون که متناسب با مقام و مرتبه علمی او باشد، را غیر قابل توقیف می‌دانند، شباهت دارد به عبارت بهتر، آن را داخل قلمرو مستثنیات دین دانسته‌اند.^(۱۳)

اختلاف اساسی بین ماده (۶۹) آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و ماده (۶۵) قانون احکام مدنی

اساسی‌ترین اختلاف میان قانون اجرای احکام مدنی (ماده ۶۵) و آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا (ماده ۶۹) در مورد مسکن می‌باشد. گفتیم که در اصلاحیه ماده (۶۹) آیین‌نامه، در بند اول، مسکن ذکر شده‌است؛ ولی در قانون اجرای احکام مدنی، ذکری از مسکن نیامده است. این اختلاف موجب شده‌است که میان اجرای احکامی که از دادگاه حقوقی صادرشده و اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرا که به وسیله ثبت اسناد به موقع اجرا گذاشته می‌شود، دوگانگی به وجود آید. به عنوان مثال: خانمی که مهریه خود را از طریق اجرای ثبت به اجرا می‌گذاشت، نمی‌توانست منزل مسکونی شوهر خود را در مقابل مهریه‌اش توقیف کند. در حالی که اگر برای وصول مهریه خود به دادگاه مراجعه می‌کرد، پس از طی تشریفات قانونی و پس از صدور حکم می‌توانست با تقاضای صدور اجرائیه، منزل مسکونی شوهر را توقیف کند و از محل فروش آن مهریه خود را وصول نماید. این دوگانگی و ناهماهنگی میان قانون اجرای احکام مدنی و آیین‌نامه اسناد رسمی، ذهن و ضمیر مسئولین قضایی و حقوقدانان را می‌آزرد تا اینکه مراتب به اطلاع فقهای شورای نگهبان رسید و آن شورا نیز طی نامه شماره ۷۶۲۱/۵۱۱ مورخ ۷۶/۳/۱ نظریه خود را به شرح ذیل اعلام نمود:

«ماده (۶۵) قانون اجرای احکام مدنی مصوب سال ۱۳۵۶، مخصوص اموال منقول است و شامل مسکن نمی‌شود؛ و علی‌ای حال مسکن مورد نیاز متناسب شرعاً از مستثنیات دین می‌باشد.»

نظریه فقهای محترم شورای نگهبان دقیقاً منطبق با تفسیری است که کمیسیون وزارت عدلیه در سال ۱۳۰۰ یعنی دقیقاً ۸۱ سال پیش از این، از ماده (۶۳۰) قانون اصول محاکمات قدیم به عمل آورده بود؛ و همان‌طور که قبلاً نیز گفته شده ماده (۶۳۰) قانون مذکور نیز وضعیتی مشابه ماده (۶۵) قانون اجرای احکام مدنی داشت. در این تفسیر آمده است، چون این بحث راجع به توقیف اموال منقول است تعرضی به خانه مسکونی نشده و الا آن نیز از مستثنیات دین است. به هر حال، شورای نگهبان با اعلام نظریه فوق، به تمامی بحثهای نظری حقوقی در این باب پایان داد و همان‌طور که مسکن به طور مسلم در فقه جزو مستثنیات دین شمرده می‌شد، در حقوق ایران نیز به طور مسلم، مسکن متناسب جزو مستثنیات دین قرار گرفت.

۵- مستثنیات دین در قوانین مالیاتی:

در ماده (۲۱۲) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سوم اسفندماه سال ۱۳۶۶ اصلاحی (۱۳۸۰/۱۱/۲۷) مقرر شده‌است: «توقیف اموال زیر ممنوع است:

۱- دو سوم حقوق حقوق‌بگیران و سه چهارم حقوق بازنشستگی و وظیفه.
۲- لباس و اشیا و لوازمی که برای رفع حوائج ضروری مؤدّی و افراد تحت تکفل او لازم است و همچنین آذوقه موجود و نفقه اشخاص واجب‌النفقه مؤدّی.

۳- ابزار و آلات کشاورزی، صنعتی و وسایل کسب که برای تأمین حداقل معیشت مؤدّی لازم است.

۴- محل سکونت به قدر متعارف.

راجع به این قانون نکات زیر قابل بحث می‌باشد:

در طول تاریخ قانونگذاری ایران (قبل از ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا برای اولین بار) در این قانون منزل مسکونی صریحاً جزو مستثنیات دین شمرده شده است، و منظور از محل سکونت به قدر متعارف، منزل مسکونی است که از لحاظ کمی و کیفی متناسب با احتیاجات و شئون عرفی مؤدی باشد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، این قانون مربوط به مؤدیان مالیاتی است. از نظر حقوقی این سؤال پیش می‌آید که آیا می‌توان از بند “۴” ماده مذکور (استثنای مسکن) تفسیر موسّع به عمل آورد و مفاد آن را به سایر بدهکاران (یعنی کسانی که به سبب دیگری غیر از مالیات مدیون هستند) گسترش داد؟ در پاسخ باید گفت، تفسیر موسّع و تعمیم بند “۴” با این مشکل مواجه است که قلمرو قوانین استثنایی از جمله قوانین مربوط به “مستثنیات دین” را نمی‌توان مورد تفسیر موسّع قرار داد. بنابراین، اگرچه از نظر فقهی حکم موضوع روشن است، لکن از نقطه نظر حقوق موضوعه، مسلم است که باید از حکم این قانون تفسیر مضیق نمود.

اشکال دیگری که در بند “۱” ماده (۲۱۲) قانون مالیاتهای مستقیم وجود دارد، این است که میان حقوق‌بگیران عائله‌مند و غیر آنها فرقی گذارده نشده است. منطقی‌تر بود که قانون مذکور همچون ماده (۶۹) آیین‌نامه اسناد رسمی، میان افراد عائله‌مند و غیر آنها فرق بگذارد. بدین صورت که در مورد افراد عائله‌مند، سقف حقوق قابل توقیف را یک چهارم و در افراد غیر معیل، سقف حقوق قابل توقیف را یک سوم قرار دهد.

۶- مستثنیات دین در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی

آخرین قانون مصوب که در حال حاضر در خصوص جمیع دعاوی حقوقی در مانحن فیه حاکم و ساری و جاری است، مقررات قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ می‌باشد.

که ضمن فصل سوم باب نهم خود از ماده (۵۲۳) الی (۵۲۷) را به موضوع مستثنیات دین داده اختصاص است. در ماده (۵۲۳) می‌خوانیم:

«در کلیه مواردی که رأی دادگاه برای وصول دین به موقع اجرا گذارده می‌شود، اجرای رأی از مستثنیات دین اموال محکوم علیه ممنوع می‌باشد.»

تبصره: احکام جزایی دادگاههای صالح مبنی بر استرداد کل یا بخشی از اموال محکوم‌علیه یا ضبط آن مستثنا می‌باشد.^(۱۴)

این ماده در قانون سابق آیین دادرسی مدنی وجود نداشت. ماده (۵۲۴) قانون مارالذکر در مقام تبیین مصادیق مستثنیات دین چنین مقرر کرده است:

«مستثنیات دین عبارت است از:

الف) مسکن مورد نیاز محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی با رعایت شئون عرفی.

ب) وسیله نقلیه مورد نیاز و متناسب با شأن محکوم‌علیه.

ج) اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوایج ضروری محکوم‌علیه، خانواده و افراد تحت تکفل وی لازم است.

د) آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می‌شود.

ه) کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنان.
و) وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاصی که وسایل امرار معاش محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی می‌باشد.

ماده مزبور نیز در قانون سابق آیین دادرسی مدنی وجود نداشت و در واقع، قانونگذار در آخرین تقنین خود با لحاظ جمیع مبانی قانونی مربوط به مستثنیات دین در قوانین پراکنده و با تأسی از قول مشهور فقهای امامیه، اقدام به احصا و شمارش مصادیق بارز مستثنیات دین نموده و آنها را از دسترس طلبکار و محکوم‌له در امان و مصون نگه داشته است. البته همان‌طور که تبصره ماده (۵۲۳) تصریح نموده، احکام جزایی و کیفری در مورد محکومیت‌های مالی و جزای نقدی و یا در جایی که حکم به استرداد عین مالی و یا ضبط و انعدام آن داده می‌شود، مورد، مشمول ارفاقات قانونی و داخل قلمرو مستثنیات دین نخواهد بود. این‌گونه استثنائات، در مجازات‌ها و اعمال کیفر رعایت نمی‌شود.

در پایان، از آنجا که قانونگذار در مواد (۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۲۷) از قانون مارالذکر اقدام به وضع مقررات جدیدی نموده که در قانون سابق آیین دادرسی وجود نداشت، بویژه در مورد بروز اختلاف میان محکوم‌علیه و یا محکوم‌له با مأمور اجرای احکام پیش‌بینی جدیدی نموده‌است، عیناً موارد مزبور را در زیر می‌آوریم:

ماده (۵۲۵): «در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیاء در ماده قبل با شئون و نیاز محکوم‌علیه، تشخیص دادگاه صادرکننده حکم لازم‌الاجرا، ملاک خواهد بود. چنانچه اموال و اشیاء مذکور بیش از حد نیاز و شئون محکوم‌علیه تشخیص داده‌شود و قابل تجزیه و تفکیک نباشد، به دستور دادگاه به فروش رسیده‌مازاد بر شأن، بابت محکوم به یا دین پرداخت می‌گردد.»

ماده (۵۲۶): «مستثنیات دین تا زمان حیات محکوم‌علیه جاری است.»

ماده (۵۲۷): «چنانچه رأی دادگاه مبتنی بر استرداد عین مال باشد، مشمول مقررات این فصل نخواهد بود.»

پاورقی‌ها:

۱ - قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۸۳.

۲ - محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۹۴ - امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۵۰ - ابوالحسن اصفهانی، وسیلة النجاة، ج ۲، ص

۹۱ و ص ۱۱۸.

۳ - مراعیاً فی ذلک کله مقدار الحاجه تحسب حاله و شرفه - شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۳.

۴ - کلینی، شیخ یعقوب، اصول کافی، ج ۵، ص ۹۷.

۵ - شیخ طوسی، التهذیب، ج ۶، ص ۱۹۸.

۶ - کلینی، شیخ یعقوب، همان منبع، ص ۹۸.

۷ - اصفهانی، ابوالحسن، وسیلة النجاة، ج ۲، ص ۱۲۰.

۸ - جعفری لنگرودی، دکتر محمد، دانشنامه حقوقی، ج ۱، ص ۷۲.

۹ - پیشنهاد شماره ۱۰/۸۴۸۶ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۰ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

۱۰ - مصوبه مزبور در جلسات شماره ۹۶ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۲۸ و ۱۰۳ مورخ ۱۳۶۰/۱/۳۰ شورای عالی قضایی وقت به تصویب رسیده است.

۱۱ - نظر مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه در پرونده اجرایی شماره ۶۲۳/۵/۲۲۳ - غلامرضا ثمری و حسین آبادی (۱۳۶۷).

۱۲ - نظریه شماره ۷۶۲۱/۵۱۱ مورخ ۷۶/۳/۱ فقهای شورای نگهبان مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۵۲۳۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۳۱ درباره ماده (۶۵) قانون اجرای احکام مدنی:

ماده (۶۵) قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ مخصوص اموال منقول است و شامل مسکن نمی‌شود و علی‌ای‌حال مسکن مورد نیاز و متناسب شرعاً از مستثنیات دین می‌باشد.

۱۳ - نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۲ - محقق حلّی، شرایع الاسلام، ج ۲ - ابوالحسن اصفهانی وسیلة النجاة ج ۲، ص ۹۱.

۱۴ - تبصره ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ در این خصوص قابل توجه است.